

دربشست علمی گروه پژوهش در آموزش فنی و حرفه‌ای ارائه شد

# آموزش فنی و حرفه‌ای از دیدگاه عام‌گرایانه



دکتر علی اصغر خلاق  
استادیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

**کلیدواژه‌ها:** آموزش فنی و حرفه‌ای، نیروی انسانی، بازار کار، عام‌گرایی.

**مقدمه:**

به‌طور خلاصه می‌توان گفت امروزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید دارای سه ویژگی اساسی باشند: ۱. آموزش فنی و حرفه‌ای یک آموزش مداوم و مادام‌العمر است؛

۲. انعطاف‌پذیر است و توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای در حال تغییر را دارد؛ ۳. آموزش نظری و عملی را با هم تلفیق می‌کند.

## مفهوم آموزش فنی و حرفه‌ای:

بنابر تعریف یونسکو، آموزش فنی و حرفه‌ای علاوه بر دانش عمومی تمام اشکال و سطوح فرایند آموزشی، شامل مطالعه فناوری و علوم مربوط به آن، کسب مهارت‌های عملی، توانایی و نگرش را دربرمی‌گیرد و مسائل مرتبط با اشتغال را در بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی زندگی برعهده دارد (Sue Tappin, 2002).

بنابراین؛ همان‌طور که در این تعریف نیز ملاحظه می‌شود آموزش فنی و حرفه‌ای در سطح گسترده‌ای تربیت نیروی انسانی را برعهده دارد و محدود به آموزش‌های رسمی نمی‌شود بلکه آموزش مداوم و مادام‌العمر است. مفهوم مادام‌العمر بودن به معنای این است که آموزش فنی و حرفه‌ای یا به عبارت دیگر تربیت حرفه‌ای باید از آغاز مدرسه تا پایان دبیرستان و پس از آن تا پایان عمر ادامه یابد.

برای درک جایگاه واقعی آموزش فنی و حرفه‌ای در شرایط امروز در آموزش و پرورش باید توجه نمود که شرایط امروز جهان و ایران با سی سال پیش بسیار تغییر کرده است. جهان امروز با روندهای کلی مانند جامعه اطلاعاتی، جهانی‌شدن در حوزه‌های مختلف، تغییر روش‌های تولید و سازمان‌دهی کار در سازمان‌های تولیدی و اقتصادی و توسعه دانش و تغییرات پیوسته فناوری و نقش مهم دانش در تولید روبه‌رو است که موجب تغییر مهارت‌ها و تولد مشاغل جدید می‌شود و مرتباً بازار کار به نیروی انسانی با مهارت‌های جدید یا تکمیلی نیاز دارد (Stenstrom, 2009).

بنابراین، آموزش فنی و حرفه‌ای نمی‌تواند صرفاً با کندی و آرامی به آموزش مهارت‌ها با ابزارهای قدیمی و فناوری‌های از کارافتاده پردازد بلکه ناگزیر است مرتباً خود را به‌روز نماید و امکان آموزش مهارت‌ها و فناوری‌های نو، که دائماً در حال توسعه و تغییرند فراهم آورد. علاوه بر آن امروزه کارفرمایان، کارآفرینان و کارگزاران و کارکنان فقط به مهارت صرف فنی نیاز ندارند بلکه نیازمند مهارت‌های مقدماتی و عمومی دیگری نیز هستند که باید آن‌ها را پیش از یادگیری مهارت‌های فنی بیاموزند تا بتوانند در محیط کار موفق باشند.

به بیان دیگر، آموزش فنی و حرفه‌ای به عنوان یک آموزش عام فقط به دوره خاصی از گذر تحصیلی و برای بخش معینی از دانش‌آموزان اختصاص ندارد، بلکه باید همه دانش‌آموزان را در همه دوران تحصیل دربرگیرد و همه دانش‌آموزان باید آمادگی لازم را برای حضور در محیط کار پس از پایان تحصیلات خود به دست آورند، زیرا سرنوشت همه کودکان، نوجوانان و جوانان در گذر تحصیلی و در هر ایستگاهی که از قطار تحصیلی پیاده شوند به دنیای کار ختم می‌شود و هر فردی باید دارای شغلی شود تا بتواند بار زندگی را بر دوش بکشد و نقشی در حرکت اجتماعی و اقتصادی جامعه ایفا کند.

روشن است که یکی از جنبه‌های مهم زندگی فردی و اجتماعی در تمام جوامع بشری کار است. کار از یک طرف منبع درآمد فردی برای تأمین زندگی و عامل اساسی حل مشکلات و تأمین نیازهای اجتماعی است و از طرف دیگر اسباب تعالی روحی و عزت‌نفس، تعامل اجتماعی و بالا بردن توان فردی و اجتماعی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی است و بالأخره دمیدن روح ملی در افراد را فراهم می‌آورد.

آموزش فنی و حرفه‌ای باید بتواند با تعامل با دنیای کار و ارباب صنعت و تولید و مشارکت آنان در فرایند آموزش از یک طرف امکانات و شرایط لازم را متناسب با تحولات فناوری روز و تغییر مهارت‌ها و مشاغل فراهم سازد و از طرف دیگر با درک نیازهای دنیای کار پاسخ‌گوی نیازهای در حال تغییر آنان باشد. برای توانمندساختن آموزش دیدگان باید دانش نظری با کار عملی درهم آمیخته شود تا شرایط لازم برای آموختن مهارت‌ها و تربیت حرفه‌ای دانش‌آموختگان فراهم شود.

### آموزش فنی و حرفه‌ای در نظام آموزشی کشور ما:

آنچه امروز به عنوان آموزش فنی و حرفه‌ای در آموزش و پرورش داریم چیست؟

یک دوره دو ساله (در واقع دو دوره ۹ ماهه یا به عبارت دیگر مدت جمعاً ۱۸ ماه) در پایه‌های دوم و سوم آموزش متوسطه، شامل ۹۶ واحد درسی که حدود ۶۰ واحد آن دروس عمومی و تنها حدود ۳۶ واحد آن دروس اختصاصی است.

از مجموع دانش‌آموزان ثبت‌نامی در دوره متوسطه بین ۳۵ تا ۴۰ درصد آن‌ها به رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش وارد می‌شوند و بیش از ۶۰ درصد دانش‌آموزان

تربیت حرفه‌ای نمی‌بینند. بنابراین محدود کردن آموزش فنی و حرفه‌ای به یک دوره نیمه‌تخصصی دو ساله برای بخشی از دانش‌آموزان، بدون فراهم کردن شرایط لازم برای آموزش مهارت‌های عمومی و پایه و توانایی لازم برای رویارویی با جنبه‌های حاشیه‌ای و پشتیبانی‌کننده کار در واقع جفا کردن به این آموزش‌هاست؛ به این معنی که اسماً آموزش فنی و حرفه‌ای داریم اما عملاً نیروی کارآمدی برای بازار کار تربیت نمی‌کنیم.

این آموزش‌ها که با استفاده از روش‌های کهنه و ابزارها و فناوری‌های از کار افتاده همراه است و نیروی انسانی آن آموزش کافی ندیده است چگونه می‌تواند هنرجویان را با تغییرات سریع و گسترده فناوری امروز و نیازهای دائماً در حال تغییر بازار کار هماهنگ کند و محصولات آموزش فنی و حرفه‌ای پاسخ‌گوی نیازهای بازار کار باشد. این ضعف‌ها حتی مانع مشارکت جدی کارفرمایان و بخش صنعت و خدمات در برنامه‌ریزی‌ها و تجهیز هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای شده است.

### برای توانمندساختن آموزش دیدگان باید دانش نظری با کار عملی درهم آمیخته شود تا شرایط لازم برای آموختن مهارت‌ها و تربیت حرفه‌ای دانش‌آموختگان فراهم شود

اگر به همه این واقعیت‌ها این را هم اضافه کنیم که بسیاری از تحقیقات انجام شده در سال‌های اخیر نشان داده است که برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای با نیازهای بخش سه‌گانه اقتصادی انطباق کافی ندارد و در ایجاد و گسترش رشته‌ها و واحدهای آموزشی و تدوین محتوا به نیازها، امکانات و اقتضات مناطق مختلف کشور توجه کافی نمی‌شود و آموزش‌های ارائه شده در هنرستان‌ها، عموماً با نیازها و پیشرفت‌های فناوری هماهنگ نیست. اگر به این واقعیت نیز توجه کنیم که شواهد پژوهشی هم‌چنین نشان می‌دهد که تعداد قابل ملاحظه‌ای از دانش‌آموختگان (فارغ‌التحصیلان) فنی و حرفه‌ای بیکارند و بسیاری از آنان (حدود ۶۰ درصد) در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی خود مشغول به کار نشده‌اند (نویدی و همکاران، ۱۳۸۴). آن وقت معلوم می‌شود از این ۴۰ درصدی (با نگاه خوش‌بینانه) که به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای وارد می‌شوند ۶۰ درصد آن‌ها عملاً از آموزش‌های دیده شده سودی نمی‌برند و در شغل

غیرمرتبط مشغول به کار می‌شوند. در واقع اگر فرض کنیم آموزش‌ها به خوبی انجام شده باشد عملاً حوزه اثرگذاری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ۱۶ درصد کل دانش‌آموزان دوره متوسطه را دربرمی‌گیرد. افزون بر این، آن گروه از دانش‌آموختگانی که موفق به ورود به دوره‌های کاردانی و کارشناسی می‌شوند، با توجه به مقایسه برنامه‌های درسی دوره آموزش فنی و حرفه‌ای در هنرستان با برنامه درسی دوره‌های کاردانی و کارشناسی، بسیاری از محتوای درسی دوره هنرستان آنان مجدداً در دوره کاردانی و کارشناسی تکرار می‌شود.

بنابراین، کسانی که دوره هنرستان‌ها را می‌گذرانند اگر به دانشگاه در رشته مرتبط وارد شوند بخشی از مطالب آموخته شده آنان مجدداً تکرار می‌شود و موجب اتلاف وقت آنان می‌گردد. به بیان دیگر، دانشجویانی که رشته فنی و حرفه‌ای نخوانده‌اند و از رشته‌های ریاضی یا

تجربی به این رشته‌ها راه یافته‌اند در نهایت به دلیل بهتر بودن ریاضی آنان و یادگیری دروس فنی به لحاظ درسی از دانش‌آموختگان رشته‌های فنی و حرفه‌ای جلوتر می‌افتند.

اما از دیدگاه عام‌گرایی، تربیت حرفه‌ای یک نیاز عمومی و به بیان دیگر یک آموزش عمومی است که همه احاد جامعه به آن نیاز دارند و باید همه دانش‌آموزان از آغاز

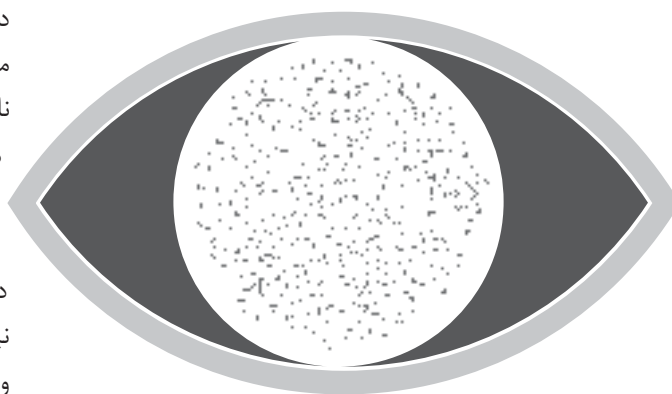
مدرسه تا پایان دبیرستان به صورت یک آموزش مداوم و مادام‌العمر پیوسته آنرا بیاموزند. اگر تربیت حرفه‌ای یا آموزش فنی و حرفه‌ای را یک پیکره کل و واحد در نظر بگیریم و آنرا به یک درخت تشبیه کنیم، هم دارای ریشه و تنه است که از یک زمین (شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) آب می‌خورد و تغذیه می‌کند و هم دارای شاخه‌های متعدد و متنوعی است که به گل و میوه می‌انجامد. حال برای درک جایگاه آموزش فنی و حرفه‌ای

باید دید فرایند و گذر تحصیلی جایگاه هر یک از این اجزا (ریشه، تنه، شاخه‌ها و گل و میوه) در کجا قرار دارد.

ریشه این درخت در واقع در اندیشه و باور کودکان قرار دارد، شامل زمینه‌های ذهنی و مهارت‌های اولیه جسمانی و هماهنگی آن با ذهن است، یعنی باور آن‌ها نسبت به اهمیت و ارزش کار، درک اهمیت و کاربرد و توانایی اجزای بدن و ارزش آن‌ها در انجام فعالیت‌های مختلف و متنوع، شناخت اموری مانند فناوری و اهمیت آن در تولید، درک برخی رفتارهای اقتصادی مانند اهمیت انرژی و صرفه‌جویی آن، درک نسبی توانایی‌های بالقوه خود در انجام کارها و استفاده از اعضا همراه با تمرکز ذهنی برای انجام فعالیت‌ها، و... این‌ها اموری است که لازم است همه دانش‌آموزان به عنوان آموزش عمومی در گذر از آموزش دوره ابتدایی به آن دست یابند.

آنچه بخشی از تنه این درخت را تشکیل می‌دهد

درک و آشنایی با تنوع مشاغل، درک متغیر و نامعین بودن مشاغل و مهارت‌ها در طول زمان است به دلیل تغییرات فناوری‌ها و توسعه دانش بشری، همچنین نیاز همگان به کار کردن و آشنایی نسبی و اولیه با محیط کار و مسیرهایی که امکان کسب مهارت در آن‌ها وجود دارد و مهارت‌هایی مانند حساب کردن، نوشتن، درک برخی عناصر اقتصادی، مانند پول و نقش آن،



**آموزش فنی و حرفه‌ای به عنوان یک آموزش عام فقط به دوره خاصی از گذر تحصیلی و برای بخش معینی از دانش‌آموزان اختصاص ندارد، بلکه باید همه دانش‌آموزان را در همه دوران تحصیل دربرگیرد**

بازار، تولید و مصرف. این‌ها مواردی هستند که برای یک آموزش عمومی در گذر تحصیلی از مقطع راهنمایی (یا دوره اول متوسطه) باید آموخته شوند.

بخش دیگر این تنه مهارت‌های عمومی یا پایه است که شایستگی‌های اساسی را برای حضور در زندگی اجتماعی و محیط کار در دانش‌آموزان به وجود می‌آورد و شرایط موفقیت در زندگی کاری و اقتصادی آنان را فراهم می‌کند. این‌ها مهارت‌هایی است که همه دانش‌آموزان باید به

آن‌ها مسلط باشند مانند اخلاق حرفه‌ای، کارآفرینی و شایستگی‌های شش‌گانه پایه، تحت عنوان‌های:

○ مهارت‌های اساسی سواد خواندن، نوشتن، حساب کردن و استفاده از فناوری؛

○ مهارت‌های ارتباط بین فردی، کار گروهی، ارتباط با مشتری؛

○ مهارت‌های تفکر مانند گردآوری و پردازش اطلاعات، حل مسئله، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی، مهارت چگونه آموختن، تفکر خلاق، تفکر سیستمی؛

○ مهارت‌های شخصیتی مانند مسئولیت‌پذیری، منعطف‌بودن، توانایی مدیریت زمان، اعتماد به نفس داشتن، سخت‌کوشی؛

○ مهارت‌های کسب و کار مانند نوآوری، کارآفرینی، تجارت و مهارت‌های شغلی؛

○ مهارت‌های اجتماعی مانند مهارت و دانش شهروندی.

و فعالیت‌های اقتصادی و شاغل‌شدن و در یک کلام در زندگی به دست آورند.

شاخه‌های این درخت همان تخصص‌های متنوعی است که به نیازهای بازار کار پاسخ می‌دهد. این شاخه‌ها بعد از دوره متوسطه به دو شکل قرار می‌گیرند. دانش‌آموختگانی که می‌خواهند بلافاصله وارد بازار کار شوند، با گذراندن دوره‌های کوتاه مدت و فشرده (مثلاً شش ماهه) که توسط بخش صنعت یا سازمان‌هایی مانند سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای برای مشاغل معینی تشکیل می‌شود، وارد بازار کار می‌شوند و دانش‌آموختگانی که علاقه‌مند به ادامه تحصیل یا تخصص در سطوح بالاترند و به دوره‌های بلندمدت کاردانی و کارشناسی وارد می‌شوند و تخصص‌های مورد علاقه خودشان را به دست می‌آورند. بنابراین دوره‌های تخصصی برای ورود به بازار کار یا ادامه تحصیل در حوزه آموزش‌های پس از متوسطه یا آموزش عالی قرار می‌گیرد.

از دیدگاه عام‌گرایی، تربیت حرفه‌ای یک نیاز عمومی و به بیان دیگر یک آموزش عمومی است که همه‌ی آحاد جامعه به آن نیاز دارند و باید همه‌ی دانش‌آموزان از آغاز مدرسه تا پایان دبیرستان به صورت یک آموزش مداوم و مادام‌العمر پیوسته آن را بیاموزند

این مهارت‌ها باید در دوره دوم متوسطه آموخته شود و دانش‌آموختگان این دوره را برای ورود به زندگی اقتصادی و کاری آماده سازند تا پس از دانش‌آموختگی بتوانند صلاحیت و شایستگی لازم را برای حضور در محیط کار

#### منابع

1. Stenstrom, Marja-Leena (editor) (2009). Towards Interfation of Work and Learning: Strategies for Connectivity and Transformation, Springer Science and Business Media B.V.
2. Tappin, Sue (Senior International advisor of British Council), (2002). The UK Vocational Education and Training System. Professional and Competence, Brazil.
۳. نویدی و همکاران (۱۳۸۴). آموزش فنی و حرفه‌ای - چکیده تحقیقات. جلد چهارم، چاپ اول، وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت.

